

# شخصیت یا توده ها

## نقش کدام برجسته است؟

امیرنیک آنین

فصل یازدهم- تئوری مارکسیستی- لنینیستی نقش توده های مردم و شخصیت در تکامل تاریخی

درس ۹۰- توده های مردم- سازندگان تاریخ

(۱)

در معنای وسیع فلسفی و همچنین در اصطلاح علمی جاری سیاسی و جامعه شناسی، عبارت "توده های مردم" به همه طبقات و اقشار و کسانی که در روح ترقی و تکامل جامعه عمل میکنند اطلاق می شود.

به عبارت دیگر در هر مرحله معین تاریخی، جمیع طبقات و اقشاری که منافع اساسی شان با مصالح ترقی و پیشرفت جامعه تطبیق کند، در جهت تکامل تاریخ فعالیت و کارکنند، در حل وظایف مترقی مشخص زمان خود، شرکت و نقش داشته باشند "توده های مردم" نامیده میشوند. از این تعریف دو نتیجه گرفته میشود. یکی اینکه معنای توده مردم معادل و مساوی تمامی اتباع یک دولت یا همه اهالی یک کشور نیست. دیگر اینکه این مقوله یک تجمع تاریخی را نظیر قوم یا ملت تشکیل نمی دهند.

توده های مردم مقوله ای است ناهمگون که در خود کارکنان یدی و فکری و وابستگان به طبقات مختلف را می توان دربرگیرد. تعریف مزبور همچنین مشخص میکند که استخوان بندی اصلی این مقوله، طبقات زحمتکش اند، اما در عین حال این تعریف نشان میدهد که "توده های مردم" اکثریت مطلق اهالی را در جوامع منقسم به طبقات شامل میشود. تنها آن اقشار و طبقات و افرادی که در جهت ارتجاع عمل میکنند، در پیشرفت جامعه ذینفع نیستند و عمل و منافع و خواست هایشان در جهت عکس ترقی اجتماعی است، خارج از مفهوم خلق یا توده های مردم قرار می گیرند. بنابراین میتوانیم بگوئیم که توده های مردم عبارتند از بخش قاطع و تعیین کننده اهالی یک کشور که در هر جامعه بخش مشخصی را تشکیل داده و مرکب از مجموعه طبقات و اقشار زحمتکش و مترقی هستند. در حقیقت مقوله "توده های مردم" در رابطه با مقوله بسیار مهم "ترقی جامعه" است. هر قشر و طبقه ای که در جهت ترقی جامعه عمل کند، در لحظه معین و به طور مشخص، حامل عنصر نو و پیشرونده باشد، به آینده نظر و در آن سهمی داشته باشد، داخل در مفهوم توده های مردم قرار می گیرد. اگر به این معنا توجه کنیم متوجه میشویم که در هر نظام اجتماعی، و در هر مرحله از تکامل آن مفهوم و محتوی "توده های مردم" متفاوت است. زیرا که اقشار و طبقات زحمتکش و مترقی و آنها که در روح پیشرفت جامعه عمل میکنند و آینده با آنها است از نظر زمانی و مکانی مشخص بوده و در موارد مختلف تغییر میکند.

(۲)

درباره نقش توده های مردم در اجتماع و تاریخ، انواع نظریات وجود داشته و دارد. مکاتب بورژوائی به نقش توده های مردم کم بها می دهند یا به کلی منکر آن میشوند، تاریخ را زائیده فعالیت و خواست "زبندگان" و "نخبگان" می شمارند و توده مردم را به مومی در دست رهبران یا گوسفندانی زیر فرمان شبان تشبیه می کنند. مکاتب بورژوائی و خرده بورژوائی بزبدینی و عدم اعتماد و حقیر شمردن توده های مردم و نقش و فعالیت آنها را می پراکنند.

تنها ماتریالیسم تاریخی است که می تواند به طور علمی، نقش توده ها را در تکامل تاریخ و در روندهای اجتماعی تعیین کند. ماتریالیسم تاریخی ثابت می کند که توده مردم در تمامی فعالیت های بغرنج خود، اعم از اقتصادی و سیاسی و فرهنگی نقش قاطع در حیات اجتماعی دارند.

به جنبه های مختلف این نقش نظری بیافکنیم :

الف- توده های مردم به مثابه مولد نعم مادی، به مثابه تکامل دهنده تکنیک و نیروهای مولده، شرایط اساسی را برای موجودیت و پیشرفت جامعه فراهم می سازند. این توده های مردم هستند که با فعالیت و کار خود، راه را برای عمل قوانین عینی اجتماع و تاریخ باز می کنند. رشد تولید، شالوده مادی تکامل تاریخ است و توده های زحمتکش نیروی اساسی تولید و بوجود آورنده همه نعمت های مادی هستند و مصرف و بقای جامعه را تامین می کنند. بدون کار و فعالیت توده مردم زندگی و موجودیت و پیشرفت جامعه ممکن نیست. از همین جا اهمیت طبقات زحمتکش در درون مقوله "توده های مردم" معلوم می شود. زیرا آنها هستند که ابزار تولید را براساس تجربه و مهارت و دانائی خود تکامل میدهند و پایه لازم و شرایط ضرور را برای بسط و تکامل علم و فن فراهم می نمایند.

ب- توده مردم، خالق تاریخ و نیروی محرکه قاطع در روند ترقی اجتماعی و نوسازی انقلابی جامعه هستند. در مصاف های اجتماعی، سرنوشت انقلاب های اجتماعی و آزادیبخش عظیم را توده مردم تعیین می کنند. بدون شرکت و شورو شوق انقلابی توده های مردم تحقق انقلابات ممکن نیست. از لحظه تقسیم جامعه به طبقات، تاریخ بشری عبارتست از تاریخ مبارزه طبقاتی. در این مبارزه توده ها نقش اساسی را بعهده دارند.

هرچه جامعه تکامل می یابد و به جلو میرود، این نقش نیز عمیق تر و همه جانبه تر و موثرتر می شود. به طور کلی بین ترقی اجتماع و نقش توده ها پیوند دیالکتیکی متقابل برقرار است. هرچه ترقی اجتماعی بیشتر باشد سطح سازمان و آگاهی توده مردم بالاتر می رود و نقش آنها موثرتر می شود، بنوبه خود تسریع رشد اجتماع به وسعت و شدت شرکت توده های مردم در تحولات همه جانبه انقلابی وابسته است.

چه در جریان انقلابات اجتماعی و آزادیبخش و چه در مبارزات متنوع عصر ما به خاطر صلح و دمکراسی، به خاطر استقلال و آزادی علیه امپریالیسم و ارتجاع نقش عظیم و دورانساز توده های مردم انکارناشدنی است. عامل تعیین کننده در پیروزی یا شکست و بالنتیجه در تعیین جهت و آهنگ تکامل پیشرونده اجتماع توده ها هستند.

نقش و شرکت توده مردم نه فقط در مقیاس تمام تاریخ یکسان نیست بلکه در داخل یک فرمایشیون و در مرحله معین تاریخی نیز در هر دوره ای متفاوت است. طی دوره های رکود سیاسی و تسلط نیروهای ارتجاع و سیطره خفقان، حضور، عمل و شرکت توده ها ظاهر و عیان نیست. در این دوره های گذراست که بعضی ها تصور می کنند توده ها کرخت هستند، قطعه مومی هستند، از آنها کاری ساخته نیست، به خواب رفته اند و سرنوشت و آینده و تاریخ در دست جباران ستمگر و زمامداران همه کاره است. ولی این تصویری سطحی، از ظواهر امور است. آنها در زیر سطح آرام آب جوشش درونی را که طوفان را است نمی بینند. حتی در همین دوره ها علاوه بر نقش تدارکی و آمادگی، وقتی که به نظر چنین می رسد که دیگر چرخ تاریخی نمی چرخد، توده ها با مقاومت نا مشهود خود، با هشیاری و بیداری خود، با انواع واکنش های خویش عرصه را بر نیروهای ارتجاعی دمبدم تنگ میکنند و تاثیر خود را بر جریان حوادث و اتخاذ تدابیر باقی می گذارند. فشار و مبارزه توده ها در همین ایام به اصطلاح آرام، کماکان یکی از انگیزه های مهم پیشرفت اجتماعی است. و اما در چرخشهای تاریخی، آن هنگام که لکوموتیو تاریخ به سرعت در حرکت درمی آید و سیمای اجتماع به سرعت دگرگون میشود، در آن هنگامی که طوفان در میگیرد و هرروز از آن دوران-

از نظرتاریخ- برابر با ماهها و سالها دوره های گذران "آرام" است، نقش خلاق و سازنده توده ها، نقش عظیم و تعیین کننده آنها کاملاً آشکار می گردد.

ج- توده های مردم همچنین خالق فرهنگ معنوی و در آخرین تحلیل حامل و زاینده ترقی فرهنگی و معنوی جامعه هستند. سهم عظیم آنها در رشد و تکامل فرهنگ و علم و هنر انکارشدنی نیست. واضح است که در شرایط استثمار و ستم طبقاتی و ملی، در شرایط اختناق و سرکوب، توده های مردم نمی توانند امکانات خویش را تماماً بارور ساخته و استعداد خود را کاملاً ظاهر نمایند. چنین شکوفانی و ظهور بلامانع استعدادهای و خلاقیت ها در عرصه فرهنگی و معنوی، در سوسیالیسم و کمونیسم امکان پذیر می شود. در هر حال، بر شالوده فرهنگ خلقی و خلاقیت معنوی توده های مردم است که نمایندگان برجسته فرهنگ یک جامعه پرورش می یابند. وقتی ماکسیم گورکی می گوید که سازنده همه حماسه های بزرگ خالق تمام تراژدی های تاریخ و موجد تمام تاریخ فرهنگ جهانی توده ها هستند به همین معنا نظر دارد.

(۳)

در نظام سرمایه داری طبقه کارگر چه از نظر کمی و چه از نظر کیفی یعنی از نظر عده و نقش سیاسی و رسالت اجتماعی خود، به مهم ترین بخش مقوله "توده های مردم" بدل می گردد. طبقه کارگر وظیفه رهائی جامعه از بند بهره کشی و ستم طبقاتی و ملی را، در راس نبرد توده ها، بعهده می گیرد و این امر بر شالوده سازمان دادن آگاهانه مبارزه طبقاتی و ملی توده های مردم امکان پذیر می شود. برای رسیدن به این هدف، حزب طبقه کارگر به وجود می آید که به مثابه یک حزب مبارز و مجهز به تئوری انقلابی مارکسیسم-لنینیسم در پیشاپیش توده های مردم قرار می گیرد و راه و هدف نبرد و شیوه های آن را نشان می دهد، آن را سازمان داده و رهبری می کند.

(۴)

در نظام سوسیالیستی نقش توده های مردم در تمام زمینه ها و منجمله در رشته اساسی ساخت دولت و رهبری آن و اموراتصادی و بنای جامعه نو- به قول لنین- نه ده چندان بلکه صد چندان می شود. در حقیقت نقش توده ها در این نظام به مرحله کیفیتا نوئی گام می گذارد. این امر و این شرکت خلاقانه، هر چه آگاهانه تر، سازمان داده شده تر، همه جانبه تر و همه گیرتر انجام میشود. گسترش فزاینده دموکراسی سوسیالیستی زمینه را برای شرکت روزافزون توده ها در همه شئون و سیاسی و اقتصادی و اجتماعی و فرهنگی و غیره فراهم می سازد. اصولاً تحولات عظیم جامعه کمونیستی تنها راه شرکت گسترده و فعال آگاهانه و پرشور توده ها امکان پذیر می شود. هر چه بنای جامعه سوسیالیستی کامل تر و پخته تر می شود، حیظه مفهوم توده های مردم "وسیعتر می شود و بیش از پیش به مفهوم" تمامی ساکنین یک کشور نزدیک می گردد. در جامعه تکامل یافته سوسیالیستی، هنگامیکه هیچ قشر و طبقه ای نباشد که کار نکند و یا در ترقی اجتماعی ذینفع نباشد و در جهت پیشرفت عمل ننماید، مفهوم این دو مقوله یکی میشود.

بررسی مارکسیستی-لنینیستی نقش توده های مردم و جنبه های مختلف آن نشان میدهند که این کار و کوشش توده های وسیع مردم است که جامعه و تمدن آنرا حفظ می کند، تداوم آنرا تامین میکند، زمینه تکامل پیشرونده تاریخ را فراهم میآورد؛ این قطرات نا مشهود تلاش توده ها است که طی نسل ها اقیانوس پرتلاطم تاریخ را بوجود آورده است. توده های مردم آفریننده واقعی تاریخ و نیروی تعیین کننده تکامل اجتماعی هستند.